

رهنمودهاي قرآن کریم در ایجاد تمدن نوین اسلامي

رهنمودهاي قرآن کریم در ایجاد تمدن نوین اسلامي

ساجده العبدالخاني[1]

سطح 4 فقه خانواده

جامعه المصطفى العالمیه - مجتمع آموزش عالي بنت الهدی

چکیده

دین مبین اسلام به عنوان تنها دینی است که به تمام ابعاد زندگی انسان توجه ویژه ای نموده است. اسلام دین تمدن ساز است و نقطه آغاز شکوفایی علوم در تمدن اسلامي، [قرآن کریم](#) است. مسلمانان علوم خویش را از تحقیق و جستجو در معانی و مفاهیم آیات قرآن و سپس حدیث آغاز کردند و لهذا نخستین شهری که جنب و جوش علمي در آن پیدا شد [مدینه](#) بود، و نخستین مراکز علمي مسلمین مساجد بود و نخستین موضوعات علمي آنان مسائل مربوط به قرآن و سنت، و نخستین معلم شخص [رسول اکرم](#) است. علم قرائت، تفسیر، کلام، حدیث، رجال، لغت، نحو، صرف، بلاغت و تاریخ و سیره که جزء نخستین علوم اسلامي است که همگی زاینده قرآن و سنت میباشند. قرآن در بنیان گذاری سنگ بنا و فرهنگ و تمدن اسلامي نقش بسزایی داشته و از همان قرن نخست هجری، ابعاد تمدن سازی اسلام نمود عینی یافت. این مقاله بر آن است که با روش توصیفی- تحلیلی به رهنمودهاي قرآن کریم در ایجاد تمدن نوین اسلامي که شامل شکوفایی

علوم و دانشها، اختراعات، صنایع آثار هنری و بناهایی که در نتیجه تشویق ها و ترغیب های قرآنی و سنت، نصیب مسلمانان شده است، بپردازد.

کلیدواژه‌ها: تمدن، قرآن کریم، دین اسلام، رهنمودها، مسلمانان.

مقدمه

در شکل‌گیری و شکوفایی تمدن‌ها عوامل و عناصر گوناگونی نقش دارند که از مهم‌ترین آنها می‌توان به دین و جهان‌بینی دینی اشاره داشت. از این میان، تاثیر علوم اسلامی به طور کلی، و قرآن به طور خاص اهمیت ویژه ای دارد؛ زیرا قرآن و حدیث در نحوه و چگونگی شکل‌گیری علوم اسلامی عقلی، نقلی و تجربی دارای نقشی انکارناپذیر بودند که همان موجب شکل‌گیری تربیت و تمدن اسلامی و عصر طلایی اسلام گردید.

بذر اسلام در شبه جزیره صحرای سوزان عربستان که به سان مرداب ساکتی بود جوانه زد. در شرایط سختی که مردم از زندگی جز کوچ نشینی و صحرا گردی، جهت یافتن چراگاهی برای احشام خود چیزی دیگری درک نمی‌کردند و اعتقادات و جهان‌بینی آنان مانند زندگی شان، ساده و بی‌روح شده بود و خدایان سنگی و طلایی و چوبی و انواع باورها و اعتقادات خرافی بر زندگی آنها سایه افکنده بود درخت عظیم اسلام به بار نشست و زندگی نه تنها اعراب عربستان بلکه هزاران کلیومتر آن طرف تر از نواحی اطراف را زیر و رو کرد و پس از اندک زمانی تمدنی عظیم از آنجا قد برافراشت که یکی از دوره های افتخار آمیز تاریخ انسان به حساب می‌آید.

بدون شك روح این تربیت والا و تمدن عظیم از تعالیم اسلامی مایه می‌گیرد و در درجه اول، قرآن بود که تار و پود آن را تنید و زمینه را برای شکل‌گیری و شکوفایی آن مهیا کرد.

به عبارت دیگر، قرآن به عنوان کتاب رستگاری بخش، دارای چنان مجموعه‌ای منسجم از تعالیم فلسفی، حکمی، عرفانی، اخلاقی، عبادی، سیاسی و اجتماعی است که استفاده از آنها این امکان را به فیلسوفان اسلامی داد تا شکل جدیدی از تفکر عقلانی و فلسفی را ایجاد کنند که متفاوت از گذشته بود. بنابراین، هدف این تحقیق آشکارسازی تاثیر آموزه‌های قرآن در بُعد تربیت و تمدن‌سازی است که این مهم نه تنها در قرون گذشته محقق شده، بلکه این قابلیت وجود دارد تا مسلمانان عصر حاضر با بازگشت

به قرآن و بازاندیشی تفکر عقلانی خویش و شکل دادن یک جهان‌بینی عقلی و دینی منسجم و کارآمد، خود را از عقب‌ماندگی علمی و معنوی و تربیتی نجات دهند و به باز تولید تمدن نوین اسلامی اقدام کنند.

مفاهیم

1- تعریف واژه تمدن

این واژه از اصل عربی «مدینه» گرفته شده و به معنای اقامت در شهر و خو گرفتن به اخلاق مردم آن به کار رفته است. (التحقیق، ۱۱ : ۵۵، «مدن») در فارسی نیز به معنای شهرنشینی، اخلاق شهری پیدا کردن و انتقال از حالت خشونت، توحش و جهل به طرافت، انس و معرفت (گلستان قرآن (هفته نامه)، ۴ : ۶۱۰۹) و در مقابل بادیه‌نشینی و یریریت به کار رفته است. (گلستان قرآن (هفته نامه)، ۳ : ۳۸۳۶)

در زبان عربی حضاره و اهل الحضارة (شهر نشین) در مقابل اهل البویرة به معنی بادیه نشین آمده است (نفیسی، ۱۳۵۵ش، ۵ : ۳۲۲۶).

واژه های المَدَنیة، الحضارة (حمید طبیبیان، فرهنگ فرزانه فارسی - عربی، ص ۲۷۳) و Civilization لاتین برای رساندن مفهوم تمدن به کار می‌روند.

از نگاه ابن خلدون (۸۰۸-۷۳۲ق)، تمدن حالت اجتماعی انسان است (عبدالرحمن بن محمد بن خلدون، مقدمة ابن خلدون، ۱ : ۱۸۳ و ۴۱ - ۴۳) و فرایند آن در انتقال از بدویت تحقق می‌یابد؛ اهل بادیه تنها به لوازم ضروری زندگی توجه می‌کنند؛ ولی شهرنشینان این مرحله را سپری کرده، به بهره های غیر ضروری و تجمّل در شئون زندگی می‌پردازند، از این رو تمدن نهایت بادیه‌نشینی است و در پی آن پدید می‌آید. (ابن خلدون، ۱ : ۱۲۲ و ۳۶۸؛ تها نوی، ۱۹۹۶ م، ۳۰۷)

به طور خلاصه تمدن به مجموعه دستاوردهای مادی بشر میگویند و درانت عناصر سازنده تمدن را این گونه بر می‌شمارد: کار، دین، اخلاق، علم، فلسفه، ادبیات، هنر و ... تمدن به هر شکل و صورتی که باشد متشکل از عناصری است مانند زندگی مادی، سازمان اجتماعی، زندگی معنوی و فکری و تکامل این عوامل فقط در اثر تحولات بشری است.

گرچه مفهوم **تمدن** به طور عام از دیرباز وجود داشته و **ابن خلدون** با کلید واژه های «العمران» و «الحضارة» بدان پرداخته است؛ (**ابن خلدون، ا: ۱۷۲، ۲۸۸-۲۹۰، ۳۷۱**) ولی واژه **مفهوم اصطلاحی** تمدن به معنای امروزی از **قرن ۱۸** میلادی براساس دیدگاه انسان^۱ محور در **مغرب زمین** شکل گرفته و دانشمندان **علوم اجتماعی** تعریف هایی متفاوت از آن ارائه کرده اند؛ (ولایتی، ۱۳۸۲ ش، ۱: ۲۵-۲۷؛ التوحید (مجله)، ۱: ۱۴-۱۶) گروه زیادی آن را مترادف با فرهنگ یا شکلی پیشرفته تر از آن دانسته و برخی دیگر حوزه معنایی آن دو را از یکدیگر جدا کرده اند. (پژوهشهای علوم انسانی (فصلنامه)، ج ۱: ۹۵-۹۶؛ محمدی ری شهری، ۱۳۸۳ ش، ۹-۱۱) با وجود گوناگونی تعریف ها و دشواری ارائه تعریفی واحد از مفهوم تمدن، وجود سازمان و نظم اجتماعی و پیشرفت مادی و معنوی انسان، نقطه مشترک بسیاری از دیدگاه های دانشمندان علوم اجتماعی اند.

مفهوم تمدن از نظر قرآن

با بررسی آیات قرآن، ویژگی هایی که در تعریف تمدن دخیل هستند، را می توان به شرح زیر فهرست کرد:

۱. تمدن، محصول سه گانه: خدا، انسان و پیامبر است، یعنی تمدن ها هیچ وقت فقط با صرف حضور عنصر انسانی شکل نمی گیرند. چه تمدن های پیامبران و چه ناپایامبران، در واقع در این تربیت و تمدن ها حضور خدا، پیامبر و یا ناپایامبر در آن ها مشهود است. (آیاتی مثل: «قل المشرق والمغرب» (بقره / ۲، ۱۱۵)، تأکید می کند که همه عالم مال خداست حتی اگر تمدنی هم شکل بگیرد یا وقتی می گوید: «لقد ارسلنا رسلنا بالبینات وانزلنا معهم الكتاب والميزان ليقوم الناس بالقسط» (حدید / ۵۷، ۲۵) تأکید می کند که تمدن ها از طریق پیامبران و کتابی که با خودشان داشتند همواره شکل گرفته اند.) به دلیل جایگاه خدا، تمدن دارای آغاز و انجام است و حضور معاد نیز همواره در بحث از تمدن ها برجسته است. از نظر قرآن، در تمدن هایی که بر اساس اندیشه و کردار غیرپیامبران شکل گرفته نیز، خداوند حضور دارد چرا که تمامی قدرت و علم از آن خداست؛ البته به دلیل نگرش الحادی، فرمانروایانی چون فرعون، خود را در مقام خدا دیده و تمدن موجود را به خود نسبت داده اند. از زاویه دیگر، قرآن تأکید می کند که آغاز و انجام تمدن ها بر اساس فعالیت های خود انسان ها است. (ان ا لا یغیر ما یقوم حتی یغیروا ما بانفسهم) (رعد / ۱۳، ۱۱)، خود این انسان ها هستند که، آن قوم

یا آن جامعه هست که سرنوشت خودش را تغییر می‌دهد یا تثبیت می‌کند.)

2. یکی دیگر از بحث‌هایی که در قرآن در خصوص تمدن بیان شده، وجود سنت‌های الهی است؛ یک سری سنت‌هایی هست که اگر رعایت شود آن تمدن‌ها رو به اصلاح و نیک سرانجامی می‌رسند و اگر رعایت نشود، تمدن‌ها به زوال و فساد می‌انجامند. سنت‌هایی چون راستگویی، شکران نعمت، توسل به صبر، رعایت تقوا، طغیان یا عدم طغیان در برابر حق، تبعیت یا عدم تبعیت از ظلم و ظالمان، از این دسته‌اند. (آیا تي مثلا: «قد خلت من قبلکم سنن فسیروا فی الارض فانظروا کیف کان عاقبه المکذبین» (آل عمران / 3، 137)، که تصریح می‌کند که تکذیب، کذب یا دروغ حالا به هر مصداق و معنایی که باشد مخل تثبیت و تداوم تمدن است. یا در « و ضرب اٍ مثلاً قریه کانت آمنه مطمئنه یا تیها رزقها رغدا من کل مکان فکفرت بانعم اٍ فاذاقها اٍ لباس الجوع والخوف بما کانوا یصنعون» (نحل / 16، 112)، که دارد مثال می‌زند که حالا بحث بر سر آن قریه یا روستا و شهر و اینها نیست بالاخره یک مجموعه‌ای از انسان‌ها که دارای رزق و روزی بودند بعد کفران ورزیدند و به خاطر این کفران بود که خداوند لباس گرسنگی و ترس را بر آنها پوشاند و رو به زوال نهادند یا در خصوص تمدن عاد: «الم تر کیف فعل ربک بعاد ارم ذات العمداد» (فجر / 89، 6 و 7)، که در واقع تأکید می‌کند که نمودهای مادی تمدن هم در عین حال مثال می‌زند و یا ثمود: «الذین جابوا الصخر بالواد» (فجر / 89، 9)، آنها که صخره‌ها را جابه‌جا می‌کردند و از کوه‌ها می‌آوردند به وادی‌ها و شهرنشینی را ایجاد می‌کردند یا فرعون «و فرعون ذی الاوتاد» (فجر / 89، 10)، دارای قدرت بود. اما همه این‌ها «الذین طغوا فی البلاد» (فجر / 89، 11)، یعنی طغیان کردند. «والی ثمود اخاهم صالحا قال یا قوم اعبدوا اٍ ما لکم من اله غیره هو انشاکم من الارض واستعمرکم فیها فاستغفروه ثم توبوا الیه ان ربی قریب مجیب» (هود / 11، 61)، یا « فاما من طغی و اثر الحیاه الدنیا» (نازعات / 79، 37 و 38)، در مجادله موسی با فرعون هست که «وقال موسی ربنا انک آتیت فرعون وملاه زینه واموالا فی الحیاه الدنیا» (یونس / 10، 88)، که موسی در واقع با خدا مناجات می‌کند که خدایا شما به فرعون زینت و اموال دادی در حیات دنیا «یصلوا عن سبیلک» تا بندگان را از راه گمراه بکند. که بعد موسی دعا می‌کند «ربنا اطمس علی اموالهم» مال آنها را از بین ببر، «واشدد علی قلوبهم» قلب‌هاشان را سخت و سنگ بگردان، « فلا یؤمنوا حتی یروا العذاب الالیم» (یونس / 10، 88)، یا مثلاً خصوص تمدن فرعون می‌گوید «فاتبعوا امر فرعون و ما امر فرعون برشید» (هود / 11، 97) (اینها چون از اوامر فرعون تبعیت کردند به رشد و نهایت کار نرسیدند. یا « قال موسی لقومه استعینوا باٍ واصبروا ان الارض اٍ یورثها من یشاء من عباده والعاقبه للمتقین» (اعراف / 7، 128)، که باز اشاره میکند به تمدن یا عاقبت تمدن بشری که عاقبت زمین برای انسان‌ها متقی هست.

3. یکی دیگر از مباحثی که در آیات قرآن آمده است در خصوص تمدن نهایی در زمین هست، سرنوشت نهایی

تمدن بشر است؛ این که در نهایت، حسب اراده خدا، مالکیت زمین از آن بندگان صالح خدا است. (ولقد كتبنا في الزبور من بعد الذكر ان الارض يرثها عبادي الصالحون) (انبياء / 21 ، 195) (كهف / 18 ، 24) ،

رهنمودهای تعالیم قرآن در تمدن اسلامی

قرآن افزون بر نظام ویژه‌ای که برای تمدن اسلامی ارائه می‌کند به گونه‌ای ملموس در جنبه‌های مختلف دوره‌های تمدن و زندگی اجتماعی مسلمانان اثرگذار بوده است. البته بیان این نکته لازم است که میان جامعه مطلوب قرآنی با جامعه تاریخی اسلامی همواره تفاوت‌هایی بوده و همه اصول بیان شده در کلام وحی در جوامع مسلمانان به اجرا درنیامده است. (نصر، 1385 ش ، 164)

1. زندگی عمومی

مسلمانان به قرآن بسیار احترام می‌گذارند. آنان بدون وضو به خط آن دست نمی‌زنند و معمولاً برای تلاوت وضو می‌گیرند. آیات قرآن به فرهنگ عمومی مردم رسوخ کرده است. به کار بردن عبارات قرآنی مانند «بسم الله الرحمن الرحيم» (نمل / 27 ، 30 ، «الحمد لله» (حمد 1 / 1) ، «إن شاء الله» (كهف / 18 ، 24) ، «سلام عليكم» (زمر / 39 ، 73) در گفتگوها از سوی مسلمانان گواه این مدعاست. (نصر، 1385 ش ، 41-42)

تعیین ملاک تقوا برای برتری انسان‌ها سبب شده تا گروه‌های مختلف نژادی در سراسر عالم به اسلام گرایش داشته باشند. برخلاف تفاوت‌های فرهنگی و عقیدتی، قرآن همواره عامل وحدت و اشتراک همه مسلمانان بوده است (نصر، 1385 ش ، 72)؛ برای نمونه آنان در سراسر جهان قرآن را به زبان عربی می‌خوانند. (نصر، 1385 ش ، 105) در بسیاری از مناطق در مجالس یادبود درگذشتگان، مهمانان نسخه‌های چاپ شده قرآن را قرائت می‌کنند؛ همچنین کشورهای اسلامی مسابقات قرآن برگزار کرده و بدین گونه به نگهداری و ترویج روش‌های ویژه خود در فن قرائت می‌پردازند. در نگاهی دیگر با پیشرفت و دگرگونی رسانه‌ها حضور قرآن در جامعه شکل جدیدی به خود می‌گیرد. در بسیاری از کشورهای اسلامی مانند عربستان سعودی، مصر و مراکش قرائت قرآن به طور دائم از شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی پخش

مدیده شود. در برخی کشورها این کار در بخش‌هایی از روز انجام می‌گیرد. (Qurn pediaofthe Encyclo, لوح‌های و اینترنت مانند جدید امکانات و رسانه‌ها، این بر افزون (Social Sciencesand the Qurn) فشرده به راحتی بسیاری از برنامه‌های قرآنی شامل قرائت، حفظ و تفسیر را در اختیار علاقمندان قرار می‌دهند.

2. آموزش

جاذبه قرآن به اندازه‌ای بود که از همان روزهای نخست همه را به خود مشتاق کرد. افزون بر این، ترغیب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به فراگیری و تعلیم قرآن (البخاری، 1407 ق، 4: 1919) این اشتیاق را دوجندان کرد. مردم برای شنیدن آیات وحی خود را به پیامبر صلی الله علیه و آله (السجستانی، 3: 76؛ ابن اسحاق، 4: 186 و 214) یا صحابه ایشان می‌رساندند و در صورتی که به آن‌ها دسترسی نداشتند از رهگذران و کاروانیان می‌شنیدند. (معرفت، 1375 ش، 239) تازه مسلمانان برای فراگیری احکام شرعی و خواندن نماز می‌بایست قرآن بیاموزند. به مرور زمان که شمار نومسلمان افزایش یافت افراد ویژه‌ای مأمور تعلیم قرآن شده (البخاری، 1407 ق، 3: 1372 و 1385؛ همان، 4: 912) و در مواردی به دستور پیامبر به مناطق دیگر سفر می‌کردند. (معرفت، 1375 ش، 242-243) قاریان قرآن در مسجد می‌نشستند و آیات را برای یکدیگر خوانده، به تصحیح قرائت یکدیگر می‌پرداختند. (ابن عبدالحکم، 272) در مواردی هم آموزش بخش‌هایی از قرآن مهریه همسران قرار می‌گرفت. (البخاری، 1407 ق، 2: 811؛ السجستانی، 2: 236؛ معرفت، 1375 ش، 238) در دوره‌های بعدی نیز قرآن غالباً محور آموزش مسلمانان بوده است؛ برای نمونه در دولت عثمانی شمار مکتب خانه‌ها که بیشتر در کنار مسجد قرار داشتند متعدد بود و شاگردان در آن قرائت درست قرآن را به عنوان نخستین درس فرا می‌گرفتند (ولایتی، 1382 ش، 3: 267؛ ابن خلدون، 537)؛ همچنین در برخی کشورها مدارس حفظ قرآن، اصول حفظ و تفسیر را به قرآن‌آموزان می‌آموختند. (diaofthe Encyclope آل) «الالباب اولوا» مانند کلیدواژه‌هایی با فراوانی آیات (Qurn, Social Sciencesand the Qurn، عمران/ 3، 190)، «علم» (زمر/ 39، 9)، عقل (بقره/ 2، 164) و «برهان» (نمل/ 27، 64) انسان را به تفکر و علم‌اندوزی تشویق کرده‌اند. برخی از آیات به مشاهده آسمان و زمین و پدیده‌های آن دعوت می‌کنند (ق/ 50، 6) و بعضی دیگر از او می‌خواهند به گردش در زمین و بررسی آثار تاریخی بپردازد (روم/ 30، 42)، از این‌رو کسب دانش به ویژه نجوم، ریاضیات و تاریخ میان مسلمانان اهمیت ویژه‌ای یافت. نهضت ترجمه نیز که از میانه قرن دوم شروع شد و به مدت دو سده ادامه داشت پیامد ترغیب قرآن

افزون بر این، به مرور زمان دانش‌های لغت، نحو، معانی و بیان، کلام متأثر از قرآن و تفسیر و قرائت و تجوید و دیگر علوم قرآنی در ارتباط با آن پدید آمدند. با آمیختن عرب و عجم و از بین رفتن خلوص زبان عربی، بسیاری از واژه‌ها دستخوش دگرگونی معنایی شدند، به گونه‌ای که فهم قرآن نیز دچار مشکل شد. در نخستین گام خلیل بن احمد فراهیدی (م. 175 ق.) برای حفظ واژه‌های عربی، کتاب العین را نوشت. (ابن خلدون، 548) اعراب نیز همدستان با لغت مورد توجه دانشمندان مسلمان قرار گرفت و ابوالاسود دوئلی (م. 69 ق.) نخستین قواعد آن را پایه‌ریزی کرد. سپس سیبویه (م. 180 ق.) نخستین کتاب مبسوط نحوی را با عنوان الکتاب تألیف کرد. (همان، ص 546) مسلمانان با هدف فهم اعجاز ادبی قرآن قواعد علم معانی و بیان را نیز تدوین کردند. (قربانی، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، ص 77) تفاوت برداشت‌ها از آیات اعتقادی (همان، ص 532) و اختلاف بر سر قدیم یا حادث بودن قرآن (تهانوی، 1996 م ، 2 : 1306- 1308) سبب پیدایش تدریجی دانش کلام گردید.

با گسترش اسلام در میان ملت‌های غیر عرب، آنان برای فهم قرآن نیاز به ترجمه داشتند. گرچه جریان ترجمه مخالفانی نیز داشت (المراغی، 1401 ق ، 13- 23 ؛ یاسر ایازی، اهتمام‌ایرانیان به قرآن، ص 40- 41) ؛ ولی نیاز یاد شده سبب گردید تا از همان ابتدا کسانی به ترجمه قرآن بپردازند. گفته‌اند که سلمان فارسی نخستین مترجم قرآن بود که «بسمله» را به زبان فارسی برگرداند. (الزرقانی، 1416 ق ، 2 : 114- 115؛ معرفت، 1375 ش ، 653 ؛ سلماسی زاده، 1369 ش ، 89) امروزه قرآن به زبان‌های گوناگون دنیا ترجمه شده است، (سلماسی زاده، 1369 ش ، 90) گرچه در مواردی خالی از غرض‌پورزی مترجمان و قصد تبلیغ بر ضد اسلام نبوده است. (معرفت، 1375 ش ، 653- 657)

در دوره نخست مردم به سبب آگاهی از شأن نزول آیات و عرب زبان بودن، در فهم قرآن کمتر با مشکل برآمد‌خوردند؛ ولی با فاصله گرفتن از زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اسلام آوردن غیر عرب‌ها، مسلمانان بیش از پیش به تفسیر آیات نیاز پیدا کردند. تأسیس دانش تفسیر (قربانی، 77) و دیگر علوم مرتبط با قرآن، پیامد تغییر یاد شده در زندگی مسلمانان به شمار می‌رود؛ برای نمونه دانش قرائت از شکل‌گیری قرائت‌ها از زمان نزول تا مرحله قرائات شاذ و نادر، اقسام قرائت‌ها از جهت مطابقت با قواعد عربی و رسم و سند آن، ریشه اختلاف‌ها و مانند آن‌ها بحث می‌کند. (خرمشاهی، 1377 ش ، 1472) در بخش‌هایی از جهان اسلام نیز مکتب‌هایی خاص در این رابطه پدید آمدند و برای مثال تا پایان قرن چهارم قمری مردم اندلس به پیروی از مصر و افریقاییه به قرائت «نافع» به روایت «ورش» قرآن می‌خواندند. (بجنوردی، 1372 ش ، 10: «اندلس- تاریخ»)

علم تجوید نیز دو مرحله دارد: در بخش نظری از قواعد درست خواندن حروف و کلمات قرآن و دیگر مباحث آواشناسی گفت و گو می‌شود.

در مرحله عملی هم قواعد را براساس استماع و اداء به افراد می‌آموزند. (حداد عادل و دیگران، 1378 ش، 6 : 601-602) با گذشت زمان و رونق دانش تفسیر، مفسران با رویکردهای گوناگون به تفسیر قرآن پرداختند. تفاسیر ادبی، کلامی، عرفانی، فقهی و ... نمونه‌هایی از این دست به شمار می‌روند.

در سده اخیر بسیاری از مفسران با پرداختن به جنبه‌های اجتماعی قرآن کوشیده‌اند تا مفاهیم آن را بیش از پیش وارد زندگی مسلمانان کرده و از آن برای حل مشکلات و عقب ماندگی‌های سده‌های اخیر جهان اسلام استفاده کنند. سید قطب (م. 1386 ق.)، آیت الله طالقانی (م. 1399 ق.)، علامه فضل‌الله و بسیاری دیگر از مفسران از این جمله‌اند.

3. شعر و ادبیات

قرآن تأثیر فراوانی بر ادبیات و شعر مسلمانان داشته است. از همان نخست شاعران تازه مسلمان عرب مانند حسان بن ثابت، کعب بن مالک و عبدا بن رواحه با بهره‌گیری از مضامین وحی شعر می‌گفتند (العسکری، 1: 81؛ راغب اصفهانی، 1420 ق.)، 2: 454) در سده‌های بعدی نیز کلام خدا الهام بخش شاعران مسلمان غیر عرب بوده است.

در فارسی رودکی (ولایتی، 1382 ش، 1: 310-311)، فردوسی، سعدی (همان، ص 313)، مولوی (مثنوی معنوی، دفتر اول، ص 4) و در ترکی ادیب احمد یوکنکی (م. قرن 6 ق.) و خواجه احمد یسوی (م. 562 ق.) (ولایتی، 1382 ش، 1: 325-326) از این جمله‌اند.

افزون بر این ترجمه تفسیر جامع‌البیان طبری و نیز نگارش تفاسیری به نثر شیوای فارسی مانند روض الجنان ابوالفتوح رازی (م 554 ق.) و کشف‌الاسرار رشیدالدین میبدی (م. 520 ق.) نمونه‌هایی از حضور قرآن در ادبیات دوره‌های اسلام‌اند. گذشته از این، شاهکارهای ادب فارسی همچون گلستان سعدی و منشآت قائم مقام فراهانی از قرآن فراوان بهره برده‌اند. (ولایتی، 1382 ش، 1: 322، 324)

قرآن در شکل‌دهی و الهام بخشی به هنرهای که در بستر تمدن اسلامی رشد کرده‌اند تأثیر فراوان داشته است؛ از يك سو آیات همواره به هنرهای اسلامی زینت بخشیده‌اند. هنر خطاطی دنباله قرآن نویسی در صدر اسلام بوده و در بستر نگارش آن رشد کرده است. در دوره نخست، خط عربی ساده و ابتدایی بود و نویسندگان، قرآن را با نوشتن افزارهای ابتدایی (معرفت، 1375 ش، 213-217) و خطی نازیبیا و دارای غلط مد‌نوشتنند (ابن خلدون، 419) ؛ ولی با گسترش اسلام و بهبود نوشتن افزار، پیشرفت خط، سیر تکاملی خود را پیمود و قرآن نقطه و اعراب گذاری شد. با گذشت زمان قرآن را به «جزء»، «حزب» و ... تقسیم کردند و در نسخه‌های آن مکی و مدنی و شماره آیات را مد‌نوشتنند. پس از این مرحله هنرمندان به تزیین و تذهیب در نگارش قرآن دست یازیدند، به گونه‌ای که عامه مردم آن را از لوازم جداید‌ناپذیر نگارش پنداشتند. از اوایل قرن پنجم قمری هم خط زیبای نسخ جای کوفی را گرفت. (معرفت، 1375 ش، 478-484 ؛ معرفت، 1411 ق، 1: 404)

گنجینه‌های نفیسی از نسخه‌های خطی در مناطق مختلف اسلامی وجود دارد که به زیبایی قرآن را نگارش کرده‌اند. (معرفت، 1375 ش، 493 به بعد) نوشتن آیات قرآن با خط خوش به اندازه‌ای اهمیت داشته که برای نمونه حاکم سلسله گورکانی هند، ظهیرالدین بابر، خود قرآن را با خط زیبا نوشت و به کعبه هدیه کرد. (علی اصغر حکمت، سرزمین هند، ص 125) افزون بر این کاشد‌های رنگین ایرانی به شکل اسلیمی و با گل و بوته و آیاتی از قرآن تزیین شده و در مساجد و کاخ‌های پادشاهان به کار مد‌برفته‌اند. (هورست ولدمارجنس، تاریخ هنر، 1359 ش، 206 ؛ ولایتی، 1382 ش، 3: 148) سفارش قرآن به آباد کردن مسجد (توبه/ 9، 18)، مشوق هنرمندان مسلمان برای خلق جلوه‌های هنری زیبا در مساجد بوده است. با پیدایش صنعت چاپ، قرآن‌هایی ابتدا در برخی کشورهای اروپایی و پس از آن در کشورهای اسلامی به چاپ رسید. نخستین چاپ اسلامی قرآن از سوی مولا عثمان در پترزبورگ روسیه در سال 1200 هجری/ 1787 میلادی انجام گرفت. امروزه در سراسر جهان اسلام چاپ و نشر قرآن با اشکال متنوع و زیبا صورت مد‌گیرد. (معرفت، 1411 ق، 1: 405 و 406)

خواندن قرآن با غنا ممنوع است (نجفی، 1404 ق، 22: 47) ؛ ولی مسلمانان با اثرپذیری از کلام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مبنی بر خواندن قرآن با صدای خوش (کلینی، 1375 ش، 2: 614-616 ؛ بخاری، 1407 ق، 6: 2743 ؛ السجستانی، 2: 74)، فن نغمه‌شناسی یا صوت و لحن را ابداع کردند

که از زیرمجموعه‌های تجوید است. متخصصان این هنر در سراسر جهان اسلام با توجه به معانی و موضوعات قرآن، الحان و نغمات متناسب با آن را به کار برده، حالت‌های متفاوتی مانند اندوه و سرور را در شنوندگان پدید می‌آورند. (القبانی، 1991 م، 111)

از سوی دیگر هنر اسلامی در ذات خود از آموزه‌های وحی الهام گرفته است. حضور فراوان «خلأ تصویر و نگارگری» در هنر اسلامی که به شکل ویژه در هنرهای تجسمی نمود بیشتری دارد ثمره مبانی متافیزیکی توحید و شعار «لا إله إلا الله» (آل عمران/ 3، 2) است که پیام ناپایداری غیر خدا و وجود خدا در فراسوی همه واقعیت‌ها را القا می‌کند، از این‌رو جنبه‌ای از نیستی و خلأ در ذات هر موجودی ثابت می‌شود.

در آثار هنری، وجود خلأ و غیبت جسمانیت از یک‌سو و جنبه‌های مثبت فرم، رنگ و ماده از سوی دیگر بر وجه انعکاسی اشیا و نیز نشان‌های واقعیت برتر جهان تطبیق می‌کنند. سبک اسلیمی با بسط و تکرار فرم‌ها با خلأ ارتباط برقرار کرده و چشم و ذهن را از سکون و ماندن در بند موضوعات جسمانی می‌رهاند و به تعبیری با گریز از تشبیه به جسد، وحدت الوهی را القا می‌کند. این روش با خودداری از شمایله‌نگاری، حس حضور فرا زمانی و بد مکان بودن خدا را در بیننده ایجاد می‌کند؛ همان چیزی که آموزه وحی بر آن تأکید می‌کند که به هر سو رو کنید آنجا وجه خداست: «فَإَيْنَمَا تَوَلَّوْا فَثَمَّ وَجْهُ اللَّهِ». (بقره/ 2، 115) معماری سنتی اسلامی با در نظر گرفتن این ویژگی‌ها، کوچه‌ها، باغ‌ها، بازارها و مسجدهایی بنا کرده است که بدون حضور مادیت، امکان تجربه معنوی حضور الهی را برای بیننده فراهم می‌کند. (نصر، 4)

نتیجه

ارمغان جاودانه اسلام برای بشریت فرهنگ و تمدن عظیم و تربیت جامعی بود که بشریت را برای همیشه وامدار خود نمود. در رسیدن به این تمدن، قرآن کریم مرکز ادبیات مدون عرب و نقطه اساسی علم و علم آموزی بود.

قران جایگاه خاص و ویژه ای نزد مسلمانان داشته و کتاب ارزشمند آنهاست بطور قطع تمدن اسلامی برگرفته از تعالیم نورانی قرآن بلکه زیربنای تمدن اسلامی، قرآن کریم میباشد.

قرآن؛ در ارزشها ، آداب و سنن اخلاقي و اجتماعي و پایه هاي اعتقادي ملت هاي که بدان گرائيده بود تحول و دگرگوني عميق همه جانبه و فراگير ايجاد کرد و دید آنها را نسبت به زندگي ، حکومت و جهان تغيير داد . با استفاده از اين ويژگي بود که مسلمانان توانستند در همان قرن نخست هجري و پيش از انتقال علوم ديگران ، تربيت اسلامي يابند و خود صاحب فرهنگي اصيل ، وسيع و عميق باشند .

منابع

1. قرآن.
2. ابن اسحاق (م. 151 ق.)، السير و المغازی، به کوشش محمد حمید اللّاه، معهد الدراسات والابحاث.
3. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، مقدمة ابن خلدون، به کوشش علی عبدالواحد، قاهرة، دار نهضة مصر.
4. بجنوردی، کاظم، 1372 ش، دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، تهران، مرکز دائرةالمعارف بزرگ.
5. بخاری (م. 256 ق.)، 1407 ق، صحيح البخاری، به کوشش مصطفی ديب البغا، بيروت، دار ابن كثير، اليمامة.
6. تهانوی، محمد علی، 1996 م، موسوعة كشاف اصطلاحات الفنون والعلوم، بيروت، مكتبة لبنان ناشرون.
7. حجتی، محمد باقر، 1376 ش، پژوهشی در تاريخ قرآن كريم، تهران، فرهنگ اسلامی.
8. حداد عادل، غلامعلي، و ديگران، 1378 ش، دانشنامه جهان اسلام، تهران، بنياد دائرةالمعارف اسلامی.
9. حکمت، علی اصغر، 1377 ش، سرزمين هند، تهران، دانشگاه تهران.
10. خرمشاهی، بهاءالدين، 1377 ش، دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، تهران، دوستان.
11. راغب اصفهاني، حسين بن محمد، 1420 ق، محاضرات الادباء، به کوشش عمر الطباع، بيروت، دارالقلم.

12. الزرقانی، محمد عبدالعظیم ، 1416 ق، مناهل العرفان ، لبنان، دارالفکر.
13. ساروخانی، باقر ، 1370 ش، درآمدی بر دائرةالمعارف علوم اجتماعی، تهران، کیهان.
14. السجستانی (م. 275 ق.)، بی تا ، سنن ابی داود، به کوشش محمد محی الدین، دارالفکر.
15. سلماسی زاده ، جواد ، 1369 ش، تاریخ ترجمه قرآن در جهان، تهران، امیرکبیر.
16. شکوهی، غلام حسین، 1382 ش ، مبانی و اصول آموزش و پرورش، مشهد ، آستان قدس رضوی.
17. کلینی، محمد بن یعقوب ، 1375 ش، الکافی ، به کوشش غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
18. عبدالرحمن بن عبدالحکم (م. 257 ق.)، فتوح مصر و اخبارها، بغداد ، مكتبة مثنی.
19. عربی القبانى، محمد ، 1991 م ، کفایة المستفید، دمشق، دارالخیر
20. العسکری، حسن بن عبداللّٰه ، بی تا ، دیوان المعانی، بیروت، دارالجليل.
21. قربانی، زین العابدین ، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، تهران، نشر فرهنگ اسلامی.
22. محمدی ری شهری، محمد ، 1383 ، گفتگوی تمدن ها، قم ، دارالحديث، سازمان چاپ و نشر.
23. المراغی، محمد مصطفی، 1401 ق ، بحث فی ترجمة القرآن الکریم، بیروت، دارالكتاب الجديد.
24. معرفت، محمد هادی ، 1375 ش، تاریخ قرآن، تهران، سمت.
25. معرفت، محمد هادی ، 1411 ق، التمهید فی علوم القرآن، قم، نشر اسلامی.
26. مطهری، مرتضی ، 1375 ش ، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران ، انتشارات صدرا.

27. نجفی، محمد حسن ، 1404 ق، جواهرالکلام، به کوشش قوچانی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
28. نفیسی، علی اکبر ، 1355ش ، فرهنگ نفیسی، تهران، خیام.
29. نصر، حسین ، 1385 ش ، قلب اسلام، ترجمه: خرازی، تهران، نشر نی.
30. ولایتی، علی اکبر ، 1382 ش، پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، تهران، مرکز اسناد و خدمات پژوهش.
31. ولدمارجنس، هورست ، 1359 ش، تاریخ هنر، ترجمه: مرزبان، تهران، علمی فرهنگی.

فهرست مجلات

32. پژوهشهای علوم انسانی (فصلنامه)، دانشگاه قم.
33. خردنامه همشهری (ماهنامه) حسین نصر .
34. الفكر الاسلامی (مجله)، مجمع الفكر الاسلامی.
35. گلستان قرآن (هفته‌نامه)، تهران، مرکز توسعه و ترویج فعالیت‌های قرآنی.
36. مطالعات تاریخی (فصلنامه)، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی .

فهرست لاتین

37. Oxford Advanced Learners Dictionary. Encyclopaedia of the Qur'an, Social Sciences and the Qur'an Vol 5, pp, 76.
38. Encyclopaedia of the Qur'an, Social Science and the Qur'an Vol 5, pp 86.

Sajida.2013@yahoo.com .[11]

پژوهشگرواستاد همكار جامعه المصطفي العالميه مجتمع آموزش عالي بنت الهدى – مقطع سطح 4 – فقه خانواده – تلفن
همراه : 09127474362 و 09379293307